

پهلوانی، راه و رسم دیگری است

دانش آموزان و الگوهای پهلوانی

محمدعلی انصاری
دبیر درس تربیت بدنی شهرستان شازند استان مرکزی



چکیده

قهرمان ورزشی با پهلوان ورزشی فرق دارد. پهلوان ورزشی دارای صفات عالی انسانی است و اخلاق حسنه در او چنان رشد کرده است که می‌تواند به عنوان يك الكوبرای نسل جوان کشورش مطرح باشد. اما قهرمان ورزشی لزوماً نمی‌تواند پهلوان باشد. پهلوان شدن در ورزش کاری بس دشوار است. در این مقاله به بررسی خصوصیات يك قهرمان ورزشی که می‌تواند به الگویی برای دانش آموزان و نسل جوان و نوجوان ما تبدیل شود، می‌پردازیم. همچنین ایدئولوژی و فلسفه‌ای را که قادر است چنین قهرمانی را در جامعه پرورش دهد، بررسی می‌کنیم و به ذکر نمونه‌هایی از این پهلوان‌ها در فرهنگ مذهبی، ملی و باستانی خود می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: ورزش تربیتی، قهرمان ورزشی، پهلوان ورزشی

یکی از راه‌های گسترش ورزش تربیتی در جامعه دانش‌آموزی برجسته کردن اسطوره‌ها و الگوهای ورزشی است. دانش‌آموزان ورزشکار معمولاً يك قهرمان ورزشی را الگوی خود قرار می‌دهند و در اندیشه‌های آرمان‌گرایانه خود می‌کوشند خود را بیشتر به آن الگو نزدیک و از اخلاق و رفتار او تقلید کنند. از آنجا که بر اثر تبلیغات فراوان رسانه‌های غربی در معرفی چهره‌های قهرمانی خود و وجود جاذبه‌های فراوان تبلیغاتی در رسانه‌های مختلف، این امکان وجود دارد که دانش‌آموزان خیلی سریع و بدون تفکر جذب این الگوها شوند، بر ماست که با معرفی الگوهای قهرمانی و پهلوانی خود که ریشه در فرهنگ غنی اسلامی و باستانی ما دارند، راه را برای نفوذ الگوهای مثبت و اخلاق پسندیده ورزشی برگرفته از الگوهای ملی و مذهبی باز کنیم. در ضمن باید توجه داشته باشیم که

تفاوت قهرمان با پهلوان

گر چه او می‌پرورد فرزند را می‌نیردازد زجان خود بها
بشنو از گمنام، ای رنجیده جان
تو مخوان هر سفله‌ای را پهلوان

نگاهی به فلسفه تربیت بدنی

انسان نیازهای گوناگونی اعم از (اخلاقی، اعتقادی، جسمانی، حیاتی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی) دارد تربیت بدنی می‌تواند تأمین‌کننده این نیازها و به عبارت دیگر، تکمیل‌کننده ابعاد وجودی او باشد. در این میان به جرئت می‌توان گفت که تربیت اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی انسان از مهم‌ترین اهداف تربیت بدنی است. این هدف تضمین‌کننده ارتقای سطح ایمان و رشد فضایل اخلاقی در افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی است از جمله این فضایل می‌توان به تواضع و فروتنی، گفتار و کردار پسندیده، بردباری و شکیبایی، از خود گذشتگی و ایثار، صیانت نفس و خویش‌داری، برخورد خوب با نزدیکان و معاشران، احسان و نیکوکاری با دیگران، دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم، احترام به قوانین و بر حذر بودن از رفتار ناپسندیده اشاره کرد.

در تربیت بدنی، علاوه بر توجه به تربیت بعد جسمانی که باعث هماهنگی اندام‌های بدن، به ارمان آوردن زندگی سالم و شاداب برای فرد و داشتن بدنی سالم و قوی می‌شود که در دنیای امروز برای غلبه بر خستگی و ناهنجاری‌های زندگی ماشینی لازم و ضروری است، باید به بعد روحی و روانی، و ارزش‌ها و مکارم اخلاقی نیز توجه شود.

مفهوم الگوسازی و تقلید در ورزش

کودک اصول اخلاقی و ساختار اولیه شخصیتی خویش را از طریق تقلید عاطفی از والدین و سایر چهره‌های پر نفوذ اطراف خود (همچون معلم، دوستان و آشنایان، قهرمانان ورزشی و...) کسب می‌کند. بنابراین تقلید و الگوگیری در تحول و دگرگونی‌های فرهنگی اهمیت بسزایی دارد. در ورزش ابزار تقلید و الگوگیری رفتار حرکتی است که معمولاً به صورت غیرکلامی صورت می‌گیرد و قهرمان ورزشی با این شیوه افکار و حالات عاطفی و رفتاری خود را به دیگران منتقل می‌کند. البته گفتار قهرمان یا پهلوان ورزشی هم تأثیر بسزایی

قهرمان معمولاً به کسی گفته می‌شود که از نظر فنی در رشته ورزشی خاصی در مسابقات شرکت کند و سرآمد دیگران، یا صاحب عنوان باشد، موفق به کسب مقام و مدال شود و بین مردمان کشورش یا در جهان به شهرت برسد؛ ولی پهلوان کسی است که علاوه بر داشتن بدنی قوی و سالم، متصف به صفات اخلاقی پسندیده و متعالی، مانند راست‌گویی، وفاداری، خداترسی، ظلم‌ستیزی، و کمک به دیگران باشد. پس هر قهرمانی لزوماً پهلوان نیست، ولی قهرمان می‌تواند پهلوان هم باشد.

امروزه در رشته‌های ورزشی، بیشتر قهرمان پروری می‌شود تا پهلوان پروری! همین امر باعث افت اخلاقی ورزشکاران و توجه بیش از حد به جنبه‌های مادی ورزش قهرمانی شده است. ناآشنایی نسل جوان، به خصوص دانش‌آموزان، با فرهنگ پهلوانی و عدم شناخت آن‌ها از الگوهای فرهنگی، مذهبی و باستانی کشورمان در امر ورزش پهلوانی باعث الگو گرفتن نوجوانان و دانش‌آموزان ایرانی از غربی‌ها شده است. تفاوت بین قهرمان و پهلوان در قطعه شعری که اتفاقاً سراینده آن عبدالله موحد، از قهرمانان با اخلاق و از مدال‌آوران بنام ورزش کشتی است، کاملاً آشکار است: (این شعر با اندکی اصلاحات در اینجا نقل می‌شود)

زور و فن و عقل و جرئت تو آمان
بایدت تا آنکه گردی قهرمان
هر که را این چار با هم جفت نیست
بر وی و زحمات وی باید گریست
قهرمان بسیار باشد در جهان
لیک نادر تو بجویی پهلوان
پهلوانی رسم و راه دیگریست
پهلوان از ناجوانمردی بری است
شرط‌ها باید که تا یک قهرمان
پهلوان نامیده گردد در جهان
گفته‌های نیک و هم‌کردار نیک
هم‌هش باید و را پندار نیک
سر نسازد خم بر نامردمان
گر چه در این ره ببازد جسم و جان
گر ندارد قهرمان زین‌ها نشان
قهرمانش خوان فقط، نی پهلوان
پهلوانی کار هر بی‌مایه نیست
مهر مادر در وجود دایه نیست



تربیت اخلاقی،
اعتقادی و
اجتماعی
انسان از
مهم‌ترین اهداف
تربیت بدنی است



در ورزش ابزار
تقلید و الگوگیری
رفتار حرکتی است
که معمولاً به صورت
غیر کلامی صورت
می‌گیرد و قهرمان
ورزشی با این
شیوه افکار و
حالات عاطفی و
رفتاری خود را
به دیگران منتقل
می‌کند

در وصیت‌نامه‌های خود پهلوان یا پهلوانانی را
قیم بازماندگان صغیر خود می‌ساختند و این
جوانمردان خانواده‌های آن‌ها را مثل فرزندان خود
سرپرستی می‌کردند. در حقیقت پهلوانان تکیه‌گاه
مردم بودند.

● پهلوانان افرادی دیندار، معتقد، خداترس،
متقی و پرهیزکار بودند و بدون وضو هرگز پای
در گود نمی‌نهادند و جز با نام پیامبر (ص) و ائمه
معصومین (علیهم‌السلام) مبارزه نمی‌کردند. آن‌ها
بر در را به هر قیمتی نمی‌خواستند.

نوجوانان و مصادیق الگوهای پهلوانی - ورزشی

گفتیم که دانش‌آموزان و نوجوانان ما رفتارهای
قهرمانان ورزشی را الگوی خود قرار می‌دهند
و همواره سعی دارند که رفتار و کردارشان را با
الگوهای ورزشی خود مطابقت دهند و یا به‌نوعی
عیناً از آن‌ها تقلید کنند. پس چه نیکوست که
اسطوره‌های باستانی، تاریخی و مذهبی ما و امر
ورزش پهلوانی الگوی این جوانان قرار گیرند.

برای تحقق این خواسته ما باید دانش‌آموزان را
با این الگوها آشنا سازیم و از آن‌ها یاد کنیم. مثلاً

بر هواداران‌اش دارد. به‌طور کلی گفتار، رفتار و
کردار پهلوان یا قهرمان ورزشی همواره زیر ذره
بین هواداران او قرار دارد، اما در این میان، زبان
حرکتی و کردار و منش او اثرگذاری بیشتری دارد.
حضرت علی (ع) دربارهٔ میزان اثرگذاری
زبان کردار می‌فرماید: «پندی که هیچ گویی
آن را بیرون نمی‌افکنند و هیچ نفعی با آن برابری
نمی‌کند، پندی است که زبان گفتار از آن خاموش
و زبان کردار به آن گویا باشد.» پس قهرمان ورزشی
از طریق رفتار و کردارش خود را الگوی دیگران
قرار می‌دهد. همچنین آن بزرگوار به افرادی که در
جامعه به‌عنوان الگو و سرمشق پذیرفته می‌شوند،
می‌فرماید: «هر کس که خودش را در منصب
پیشوایی مردم قرار داد، لازم است قبل از تعلیم
دیگران، خودش را اصلاح کند. باید تأدیب و تربیت
او به‌وسیلهٔ رفتار، قبل از تأدیب با زبانش باشد.»

کارکردهای تاریخی پهلوانان

در بسیاری از دوره‌های تاریخ و فرهنگ
تربیت‌بدنی و ورزش در ایران زمین، ارتباط
اخلاقی و عاطفی میان مردم و پهلوانان را ملاحظه
می‌کنیم. در طول تاریخ ایران، ویژگی‌های زیر
پهلوانان را به مردم نزدیک می‌کرده است:

● پهلوانان دشمن ستمگران بودند و در تاریخ
ایران مبارزه با ستمگران و قیام علیه حکومت‌های
استبدادی، یکی از فعالیت‌های عمدهٔ جوانمردان
و ورزشکاران بود.

● یار مردم مظلوم و ستمدیده بودند. عیاران
ایرانی در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به‌صورت
دسته‌های جنگجو در دشت‌ها و کوه‌ها با زیرکی
راه را بر کاروان ستمگران و دشمنان خدا می‌بستند
و بر قشون دولت‌های ستمگر بنی‌امیه و بنی‌عباس
و خلیفه می‌تاختند و از غنائمی که به‌دست
می‌آوردند به مردم عادی و تهی‌دست کمک
می‌کردند.

● بسیاری از پهلوانان و جوانمردان فقط در
یک صفت انسانی برجسته نبودند، بلکه از نظر
علمی، اجتماعی و کمالات عالی انسانی سرآمد
روزگار خود بودند.

● پهلوانان امین و امانتدار مردم بودند. در
دوره‌های بسیاری هر کس قصد مسافرت داشت،
زن، فرزند و اموال خود را به پهلوان محل یا شهر
می‌سپرد و آن پهلوان با کمال صداقت و بزرگواری
از آن‌ها نگهداری می‌کرد. برخی از متمولین نیز



در خود جمع دارد. رستم، هم بر نیروی بدنی خود تکیه دارد و هم بر نیروی معنوی خود! همواره در نبردهایش از ایزدیگانه یاری می‌جوید و به راز و نیاز با او می‌پردازد. رستم اهل خیانت و ناجوانمردی نیست و نیازی به مقام و منصب ندارد. در شاهنامه ملاحظه می‌کنیم که در مقاطع متفاوت مردم از رستم تقاضا می‌کنند و به او اصرار می‌ورزند که پادشاهی را قبول کند، اما رستم نمی‌پذیرد؛ چون آن را خلاف رسم و آئین پهلوانی می‌داند. رستم توکل و اعتماد عجیبی به نیروی حمایت‌کننده یزدان دارد. این پهلوان خود را فقط مدیون یزدان می‌داند و تنها در مقابل اوست که واژه ترس برایش معنا پیدا می‌کند. او همواره سعی دارد در راه و رضای خداوند حرکت کند.

ب. الگوهای مذهبی و دینی
بی‌شک پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و دیگر اعضای خاندان پاک رسول خدا الگوی تمام عیار نوجوانان، دانش‌آموزان و ورزشکاران این مرز و بوم هستند. از میان این بزرگواران مولا علی (ع) و حضرت ابوالفضل را انتخاب کرده‌ایم.

مولا علی (ع)

بدون شك هیچ الگوی پهلوانی در تاریخ ایران اسلامی برتر از حضرت علی (ع) نمی‌توان یافت؛ پهلوانی که فقط در راه رضای حق شمشیر می‌زند. به معنای واقعی کلمه عادل است، جوانمرد است، یار و یاور مظلومان است، قوی، با ایمان و متقی است و... هنگامی که در «جنگ

می‌توانیم در کتاب‌های درسی دوره‌های گوناگون تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه)، سرگذشت و فداکاری‌های پهلوانان ایران زمین را برای نوجوانان و نونهالان خود شرح دهیم. در ادامه به تعدادی از این مصادیق اشاره می‌کنیم:
الف. الگوها و اسطوره‌های ملی و باستانی ایران زمین

آرش، قهرمان همیشگی ایرانیان

آرش کمانگیر پهلوان اسطوره‌ای ایرانیان است که با پرتاب تیری، مرز میان ایران و توران را در زمان منوچهر مشخص می‌کند و بدین ترتیب دشمنان از ایران‌شهر دور می‌شوند. در روایات آمده است که پس از این تیراندازی آرش از پای می‌افتد و می‌میرد. در حقیقت آرش هستی‌اش را به پای تیر می‌ریزد تا ایرانیان را سربلند کند. وی نماد جانفشانی در راه میهن است. اسطوره آرش در «اوستا» آمده است ولی در شاهنامه فردوسی نیست.

فریدون، پهلوان ظلم ستیز

فریدون یکی از شخصیت‌های اساطیری ایران است. در شاهنامه آمده است که فریدون از نژاد جمشید بود و پدرش از قربانیان ضحاک، مادرش فرانک او را به دور از چشم ضحاک در بیشه‌ای پرورش داد. ضحاک پادشاه ستمگر ایران که دو مار با بوسه اهریمن از شانه‌هایش درآمده بودند و سالیان دراز در ایران به ستم‌کاری و کشتار جوانان ایران و خورش ساختن از مغز آنان برای مارهای روی شانه‌هایش مشغول بود، سرانجام با ظهور فریدون بساط ظلمش بر چیده می‌شود. فریدون به یاری کاوه آهنگر بر ضحاک چیره شد و او را در کوه دماوند زندانی کرد.

رستم، جهان پهلوان ایرانی

فردوسی در کتاب شاهنامه رستم را «جهان پهلوان» خوانده است. رستم، آن‌گونه که در شاهنامه توصیف شده، نمونه‌ایک پهلوان تمام عیار ایرانی است. او تجسم اندیشه و آرزوی پیشینیان ماست. کشش و کوشش بشر برای زندگی بهتر، برای سیر به سوی اعتلا و پیروزی بر بدی و زشتی، بهترین جلوه‌اش را در پهلوانان حماسی می‌یابد و رستم در میان این پهلوانان همه‌صفت‌های لازم را



بسیاری از
پهلوانان و
جوانمردان فقط
در یک صفت
انسانی بر جسته
نبودند، بلکه
از نظر علمی،
اجتماعی و
کمالات عالی
انسانی سرآمد
روزگار خود بودند





**بدون شک هیچ
الگوی پهلوانی
در تاریخ ایران
اسلامی برتر از
حضرت علی (ع)
نمی توان یافت؛
پهلوانی که فقط
در راه رضای حق
شمشیر می زند**

از پی حق می زنم
بندۀ حقم نه مأمور تنم
شیر حقم نیستم شیر هوا
فعل من بر دین من باشد گوا
خلاصه هر چه در مناقبش بگوییم کم
گفته ایم. ورزشکاران رشته ورزش های باستانی به
عشق علی (ع) ورزش می کنند و اشعاری در وصف
او می گویند. چرا که او الگوی واقعی مرام پهلوانی
و جوانمردی است.

حضرت ابوالفضل (ع)

حضرت ابوالفضل العباس (ع) بزرگ مردی
است که در فضل، کمال، فتوت، ایثار، عشق،
شجاعت و رادمردی الگویی برجسته محسوب
می شود. حضرت ابوالفضل (ع) در اخلاص،
استقامت و پایمردی نمونه است و در هر خصلت
نیک و صفت ارزشمندی که کرامت انسان به آن
بستگی دارد، سرمشق است. تاریخ روشن از
کرامت های عباس بن علی است و نام او با وفا، ادب،
ایثار و جانبازی همراه است و گذشت سال های
متمادی کمترین غباری بر سیمای فتوتی که در
رفتار آن حضرت جلوه گر شد، نشانده است.
ابوالفضل (ع) مظهر شجاعت و وفا بود. نه
شجاعت دور از وفاداری ارزشمند است، نه از وفای
بدون شجاعت کاری بر می آید. راه حق، انسان های
مقاوم، نستوه و وفادار می طلبد. برای موفقیت در
میدان های نبرد، سلحشوری، شجاعت آمیخته به
وفاداری به راه حق، آرمان والا و رهبر معصوم لازم
است و این ها همه در بالاترین حد در وجود فرزند
علی جمع بود.
حسین رضازاده، قهرمان وزنه برداری سنگین
وزن جهان، همواره با توسل و تمسک به نام
ابوالفضل (ع) وزنه را بالای سر می برد و همواره
موفق بود.

**الگوی دیگر اسلامی - مذهبی:
پوریای ولی**

پوریای ولی در میان ورزشکاران ایران نمونه ای
از اخلاق، پایمردی و جوانمردی است. نه تنها در
مقام یک پهلوان، بلکه در مقام یک قدیس در میان
مردم جایگاهی والا دارد. شهرت پوریای ولی تنها
به دلیل پهلوانی هایش نیست، بلکه مردم او را به
داشتن ویژگی های نیکوی اخلاقی معلم، مرشد،
صوفی و مرد خدا می شناسند. در مورد پوریای ولی،

خندق» به قهرمان عرب، عمرو بن عبدود، دست
می یابد، به خاطر آب دهانی که عمرو بر صورتش
می اندازد، او را نمی کشد. مولانا جلال الدین
بلخی، در دفتر اول مثنوی، با نقل ماجرای مبارزه
علی (ع) با عمرو بن عبدود، اخلاص حضرت
علی (ع) را در این حادثه به تصویر کشیده است:

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیری بر آورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی
افتخار هر نبی و هر ولی
او خدو انداخت بر روی که ماه
سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کرد او اندر غزایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
وز نمودن عفو و رحم بی محل

بعد مولوی توضیح می دهد که وقتی عمرو
بر صورت علی (ع) آب دهان انداخت، حضرت
شمشیر را کنار گذاشت و از روی سینه عمرو
برخاست. عمرو بن عبدود از این کار علی (ع)
تعجب کرد و علت آن را پرسید. جواب فرمود:

«وقتی به صورت من آب دهان انداختی،
ترسیدم که مبدا این کار در
انگیزه من تأثیر بگذارد.
لذا دست از جنگ
کشیدم تا نفس
من آرام گیرد».
گفت
من تیغ





**حضرت
ابوالفضل(ع) در
اخلاص، استقامت
و پایداری نمونه
است و در هر
خصلت نیک و
صفت ارزشمندی
که کرامت انسان
به آن بستگی
دارد، سرمشق
است**

کیستی و ماجرای زندگی پهلوانی او روایت‌های متفاوتی در مناطق مختلف ایران آسیای میانه وجود دارد که اگر چه اغلب آن‌ها مستند نیست ولی حاکی از وجود واقعیتهایی در تاریخ ورزش‌های باستانی ایران است و آن «جوانمردی» است. از جمله در شهر خوی (آذربایجان غربی) مقبره‌ای وجود دارد که روی آن نام پوریای ولی نوشته شده است و مردم شهر خوی آن را «پیرولی» می‌نامند.

پوریای ولی در سال ۸۲۰ هجری قمری دار فانی را وداع گفت و در شهر خوی دفن شد. بعد از دفن روی قبرش قبه و بنایی ساختند خانقاهی درست کردند، مردم برای گرفتن حاجت بر مزارش به خصوص شب‌های جمعه جمع می‌شوند. مقبره او با گذشت زمان تخریب شد، اما آثارش هنوز باقی است و اهالی آن را زیارت می‌کنند.

داستان اسطوره شدن پوریای ولی چنین است: جوانی به نام معالق از فقرای شهر خوی که از نعمت داشتن پدر محروم بود، عاشق دختر حاکم شهر می‌شود. او که تنها فرزند مادرش بود، از شدت عشق بیمار و بستری می‌شود. مداوای پزشکان در علاج بیمار کارگر نمی‌افتد، چرا که بیماری عشق در مان جسمی ندارد. بالاخره پسر زبان می‌گشاید و از عشقش به دختر حاکم می‌گوید. مادر و نزدیکانش وی را نکوهش می‌کنند، اما پسر بر عشق خویش

پایداری می‌کند. مادر به ناچار به خواستگاری دختر حاکم می‌رود. خبر به گوش دختر حاکم می‌رسد و وی ازدواج خود را با آن پسر یتیم مشروط به پیروزی‌اش بر پهلوان نامدار خوی، پوریای ولی می‌کند. از آنجا که عشق منطق دیگری دارد. پسر جوان با وجود اینکه می‌داند، توان غلبه بر پوریای ولی را ندارد، برای مبارزه و کشتی گرفتن اعلام آمادگی می‌کند.

تاریخ مبارزه برای یکی از روزهای جمعه تعیین می‌شود. در نماز جمعه یکی از مساجد، مادر آن جوان حلوای نذری پخش می‌کند. پوریای ولی که در نماز حضور دارد، از مادر می‌پرسد: «نذرت چیست» و او جواب می‌دهد: «پسرم برای ازدواج با دختر حاکم باید با پوریای ولی کشتی بگیرد و نذر کرده‌ام تا پسرم پیروز شود.»

پوریا دچار تردید می‌شود. تردید در مورد حفظ موقعیت خود به عنوان پهلوان شهر یا خلوص نذر یک مادر و حرکت در جهت رساندن یک جوان به آرزوی خود. این تردید و تصمیم شجاعانه‌ای که پوریای ولی می‌گیرد، باعث اسطوره شدن او می‌شود. روز موعود فرا می‌رسد. پوریا و جوان عاشق در میدان کشتی حاضر می‌شوند. جمعیت انبوهی به تماشا ایستاده‌اند. همه انتظار دارند در چشم به‌هم زدنی، پهلوان نامدار شهرشان پیروز گردد. اما نتیجه چیز دیگری است. پهلوان خود را مغلوب جوان عاشق می‌کند. خود پهلوان پوریای ولی در این مورد می‌گوید: «وقتی پشتم به خاک رسید و آن جوان بر سینه‌ام نشست، ناگهان حجاب دیدگانم به کنار رفت و آن معرفتی را که سال‌ها در جست‌وجویش بودم، در مقابل دیدگانم یافتم.»

مردم جوان پیروز را بر دوش گرفتند و به سمت خانه حاکم حرکت کردند. پهلوان شهر مغلوب شد و زیر دست و پای مردم نظاره‌گر شادی آن جوان و گریه‌های شوق مادرش بود. دیگر هیچ‌کس پوریا را به چشم پهلوان نمی‌نگریست. سال‌ها بدین منوال سپری شد و مردم زمانی متوجه قضیه





**راز محبوبیت
و ماندگاری
کم نظیر شادروان
غلامرضا تختی
راه، نه در برق
نشان‌های
رنگارنگ
ورزشی او، که
در خصایص و
سجایای اخلاقی
و صفات بارز
انسانی این فرزند
وفادار مردم باید
جست‌وجو کرد**

ناملایمات باید ایستادگی کرد و برای پیروزی باید تلاش کرد و با اتکال به خدا به میدان رفت و پیروز شد. من چنین کردم و پیروز شدم، ولی نه آن پیروزی که من می‌خواستم؛ چرا که نگذاشتند و سد راهم شدند.»

در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ زلزله مهیبی به قدرت ۷/۲ ریشتر، سبب ویرانی کامل شهر «بوئین‌زهره» و تمام روستاهای اطرافش شد. در این زلزله در حدود ۲۰ هزار نفر کشته و هزاران خانواده نیز بی‌خانمان شدند. به‌دنبال ناتوانی دولت وقت برای عملیات کمک و امداد، غلامرضا تختی کامیونی در اختیار گرفت و با آن به محلات پر جمعیت تهران رفت و با بلندگو شخصاً از مردم خواست تا به زلزله‌زدگان کمک کنند. مردم نیز رخت، لباس و پول‌های اهدایی خود را به تختی می‌سپردند. واکنش‌ها چنان باور نکردنی بود که بلافاصله موج بزرگی از نیکوکاران به راه افتاد و ده‌ها کامیون به وی سپرده شدند.

نتیجه‌گیری

توصیه می‌شود در نهادهای فرهنگی کشور، از جمله در آموزش و پرورش و به‌خصوص در مدارس، به امر آشنا کردن دانش‌آموزان با الگوهای ورزشی و پهلوانی همت گمارده شود. این الگوها ریشه در فرهنگ غنی ملی و اسلامی ما دارند و به‌نوعی شناس‌نامه و هویت ما هستند. از این الگوها می‌توان به‌عنوان جایگزینی مناسب و شایسته برای الگوهای غیراصیل و غربی که مدام از طریق رسانه‌های بیگانه تبلیغ می‌شوند، استفاده کرد. فراموش نکنیم تنها راه مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان آشنا ساختن دانش‌آموزان با فرهنگ اصیل خودمانی و شناساندن روشمند اسطوره‌های مذهبی، ملی و پهلوانی به ایشان است. روش تبلیغ و تفهیم این ارزش‌های فرهنگی باید بسیار خردمندانه و به دور از تعصب و تخریب دیگر ارزش‌ها باشد. این الگوها که بالاترین ارزش‌های انسانی، از جمله: عبادت و بندگی، فتوت و جوانمردی، نوع‌دوستی و ایثار، صداقت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، شهادت‌طلبی و... را در خود جای داده‌اند، باید مکرر در کتاب‌های درسی، در همایش‌ها، مسابقات ورزشی، مجلات و روزنامه‌ها، محصولات الکترونیکی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای مطرح شوند.

شدند که پهلوان پوریا نقاب خاک بر سر کشیده بود. از آن زمان پوریا به پهلوانی افسانه‌ای و اسطوره‌ای تبدیل شد. ده فرمان مشهور جوانمردی که از پوریا به یادگار مانده، جزو اصول ورزش باستانی است. این ده فرمان هنوز هم سینه به سینه نقل می‌شود.

الگوی معاصر، جهان پهلوان تختی

غلامرضا تختی را همه ایرانیان می‌شناسند. او اسطوره معاصر ورزش قهرمانی و پهلوانی ایران است. با این همه تردیدی نیست که راز محبوبیت و ماندگاری کم‌نظیر شادروان غلامرضا تختی را، نه در برق نشان‌های رنگارنگ ورزشی او، که در خصایص و سجایای اخلاقی و صفات بارز انسانی این فرزند وفادار مردم باید جست‌وجو کرد. پس از تختی قهرمانان بسیاری بودند که با کسب چند مدال جهانی و تقلید از حرکت‌های مردمی تختی، سودای دستیابی به موفقیت بی‌بدیل او را در سر پروراندند و چند صباحی به مدد تبلیغات و جنجال‌های مطبوعاتی ردای جهان پهلوانی را بر تن کردند، اما هیچ‌گاه نتوانستند به دل‌های روشن و پاک مردم راه پیدا کنند. او با مردم و چونان مردم زیست. در شادی‌شان گلخنده‌اش را نثار آنان کرد و در ماتم و اندوهشان، ایثارگرانه و اندوهگین در کنارشان جای گرفت.

تختی بزرگ خود نیز به عمق علاقه خالصانه طبقات محروم و رنج دیده نسبت به خویش واقف بود. وی در پاسخ به خبرنگاران داخلی و خارجی که از او پرسیده بودند: «بازرزش‌ترین مدالی که تاکنون گرفته‌ای کدام است؟» گفته بود: «بزرگ‌ترین پاداش و عالی‌ترین هدیه‌ای که گرفتم مدال یا نشان طلا و نقره نبود. قلب یک انسان بیش از هزاران مدال طلا ارزش دارد و من می‌دانم که هزاران هزار نفر از مردم حق‌شناس میهنم در قلب مهربان خودشان جای کوچکی هم برای من ذخیره کرده‌اند.»

تختی ارادت و علاقه زیادی به حضرت امام رضا (ع) داشت و در هر فرصتی که پیش می‌آمد و یا قبل از هر سفری به خارج، به مشهد می‌رفت و به زیارت و پابوسی آن حضرت مشرف می‌شد. وقتی وارد حرم حضرت رضا (ع) می‌شد، دیگر خودش نبود. آستان‌بوسی او به‌قدری خاضعانه و بی‌پیرایه بود که همه همراهان و اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌داد. تختی در آخرین مصاحبه‌اش، رمز موفقیت خود را تأسی به ائمه اطهار می‌داند و می‌گوید: «من از علی (ع) آموختم که در مقابل

منابع

۱. «جایگاه ورزش تربیتی در نظام آموزش و پرورش کجاست؟». رشد آموزش تربیت‌بدنی. دوره ۴م. شماره ۱. پاییز ۱۳۸۸.
۲. خلجی، حسن. «قهرمان ورزشی الگوی جامعه ماست». ماهنامه ورزش دانشگاه. شماره ۱۵۳. شهریور ۱۳۷۸.
۳. بلخی، جلال‌الدین محمد. منشور معنوی. تصحیح رونالد نیکلسون. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۶.
۴. خلجی، حسن؛ بهرام، عباس؛ آقایور، سیدمهدی. اصول و مبانی تربیت‌بدنی. انتشارات سمت. ۱۳۹۰.
۵. علیقلی، امیرحسین و احمدی، مژگان. شاهنامه بهتر. انتشارات بهزاد. ۱۳۸۸.
۶. قاسمی، سیدفرید. غلامرضا تختی. نشر قصد. ۱۳۸۴.
۷. کریمی، مجتبی. زندگی‌نامه و رباعیات دیوان محمود پوریای ولی. نشر روزنه. ۱۳۸۷.